

اشتباه احمقانه
تروریست های
حماس به نابودی
هزاران فلسطینی
انجامید

پی‌داری

ماهنامه ی شماره ی ۱۴۹ کانون خردمداری ایرانیان
سال ۲۴ - آبان ماه ۲۵۸۳ ایرانی - ۱۴۰۳ عربی

همراهی فلسطینی‌ها
با تروریست های
حماس برایشان گران
تمام شد

آقای نتانیا هو
آیا بهتر نبود به جای کشتن پنجاه هزار
بخت برگشته ی «فلسطینی، لبنانی، یمنی،
سوری، اسرائیلی، عراقی و ایرانی،
فقط یک تن جنگ افروز جماران در بیت
رهبری را سر به نیست می کردی؟

هم ارزان تر بود، هم آسان تر بود و هم سودمندتر، هنوز هم
دیر نشده، بداد آن ها که هنوز کشته نشده اند برسید!

بشرا جهانی

فرار، خودکشی، تسلیم شدن
یا جنگیدن، کدام؟

ببیست و چند سال پیش، افغانستان از گفتاری به نام طالبان رهایی
یافت و راه افتاد تا مسیری برای نجات ابدی اش

مانده در رویه ۲

دکتر قاسم بیات

آرزوی علمای اسلام در تحقق
چگونه ایرانی است؟

هر دو پادشاهان پهلوی افرادی متدین و مسلمان بودند. ولی نیاز میهن
را به تغییرات در دنیای در حال دگرگونی درک کرده و به

مانده در رویه ۳

فرار، خودکشی، تسلیم شدن یا جنگیدن، کدام؟

مانده از رویه ی نخست

جفت و جور کند، اما به مسیر نرسیده دوباره تسلیم و طعمه ی همان کفتارهایی شد که از آنها رو به فرار بود. در این مدت من از لا به لای سرکوب و قهر پدرسالارانه موفق شدم که به مکتب بروم. مکتبم که تمام شد خانواده ام تصمیم گرفتند که ازدواج کنم. هر بهانه ای را پیش کردم مؤثر واقع نشد. راهی نیافتم جز اینکه اتمام دانشگاه را بهانه کنم، گفتم: «تا دانشگاه تمام نشده نمی خواهم ازدواج کنم. اگر بالايم فشار آوردید و مجبورم کردید به ولا قسم خود را می کشم.» مادرم تحت تأثیر این حرفم قرار گرفت و با پدرم صحبت کرد که صبر کند تا پایان دانشگاهم. او هم به سختی پذیرفت و روز بعد در حالی که به سوی وظیفه ی نظامی اش می رفت، جلوی راهم در حویلی (حیاط) ایستاد و گفت: «گوش کوا و دختر! مادرت زیاد عذر کرد که تا ختم دانشگاه صبر کنم و معامله ی عاروسیت (عروسی ات) پیش نگشتم. به خدا که تا او وقته پایت به پس و پیش بانی، خودم زنده زنده دفت می کنم دهمی حویلی! فامیدی چه گفتم؟ فامیدی؟» از «فامیدی» آخر که با آواز غر و خشن مردانه اش بلند کرد، چنان شوک خوردم که همان روز تا شب دلم می لرزید و دستانم از بازو خشک شده بودند، توانایی حرف زدن از دستم رفته بود و شبیه آواره ای که پس مانده هایش را زلزله تهدید به فرو ریختن می کند، به هم ریخته بودم و بدون هیچ فکری ساعت ها در تاریکی به سقف اتاق خیره شده بودم و غرق هیچ بودم. بعد از آن روز و شب، همیشه به این فکر می کردم که چهارسال بعد از دانشگاه چه بهانه ای برای مقاومت در برابر ازدواج اجباری کنم؟ فرار؟ خودکشی؟ یا تسلیم شدن؟ کدام؟

اما هر بار این نگرانی و پرسش ها در درونم به هیچ منجر می شد و نمی توانستم هیچ یک از آنها را بپذیرم. سال اول دانشگاه شروع شد و همواره برای پول جیب خرجی دانشگاه — کرایه ی رفت و آمد، پول خرید کتاب، کتابچه، قلم، چپتر و اندکی هم پول مجبوری کافه تریاکه از ننگ و اصرار هم صنفی هایم (هم کلاسی ها) پا به آنجا می گذاشتم — خودم را شبیه نفرین شده ای میان دعوای حواله کردن پدر به سوی مادر و مادر به سوی پدر درمی یافتم تا اینکه اشک هایم را می دیدند و کوفتشان از رنجاندنم خالی می شد و شانس دریافتن چند روپیه ی لعنتی خیراتی را درمی یافتم. یک سال را به هزار بیچارگی و بدبختی سپری کردم؛ با آن هم از تلاش برای نتایج بهتر دریغ نمی کردم، فیصد (جمع) نمرات یک ساله ام ۹۸ بود و خیلی خوشحال بودم اما هیچ کسی را در خانواده نداشتیم که این خوشی را با او تقسیم کنم. یک ماه رخصتی تمام شد و سال دوم شروع شد. دلم با وجود آن همه روزهای تاریک و دردناک، امیدوار به آینده و فردا بود. سیمستر سوم بهاری شروع شد؛ در جریان

همین سیمستر بود که ولایات افغانستان یکی پس از دیگری به سرعت به طالبان تسلیم داده می شد (آمریکایی ها افغانستان را ترک می کردند) و سرانجام کابل هم تسلیم داده شد. آن روز کاش از انزال (خالی شدن) عقده های مردسالارانه ی مردان جامعه مستندی تهیه می شد و فلم (فیلم) برداری می شد! در میان ترافیک شهر و هرج و مرج، مردانی سر از موترهایشان بیرون می کشیدند و به ما می گفتند: «خوب شد طالب آمد که چوبه د کونتان بز نه! فایشای بی حیا!»؛ دیگری صدا می زد: «شکر که طالب آمد تا همی فایشای ننده بازه از سرکا جمع کند.»

ما سراسیمه فرار کردیم و پناه به خانه های مان بردیم و اصلاً توجه نکردیم به شادی های کثیف آنها. طالب آمد؛ حاکم شد و چند ماه گذشت، اردوی (ارتش) افغانستان هم که قبل از حاکمیت طالب قصه اش مفت شده بود، بعد حاکمیت طالب همه ی نظامیان تیت و پراکنده، پنهان و بیکار شدند. پدرم هم بیکار شد و هر روز وضعیت اقتصادی ما بدتر می شد. از شانس بد، آشنای نزدیک پدرم برای پسر قاری و داکترشان به خواستگاری من آمدند و پدرم هم که شدیداً با مشکل مالی مواجه بود و نان هشت سر عیال سرش بود از موقع استفاده کرد و با شرط شیربها و طویانه چند لک افغانی (مقداری پول) به آنها وعده ی دادن و فروختن من را سپرد. خانواده ی داکتر قاری که خیلی پولدار بودند این رقم برایشان بار زیادی حساب نمی شد و پذیرفتند. من هیچ بهانه ای برای مقاومت یا قناعت (قانع کردن) فامیلم نداشتم و مجبور شدم که یکی از همان سه گزینه ای را که قبل از شروع دانشگاه در موردش فکر می کردم انجام دهم — و آن نبود مگر تسلیم/حقارت/بردگی/بدبختی و بیچارگی.

اکنون سه سال از ازدواج من گذشته است و من حیث خدمتکار و برده از خانه پدر به خانه ی شوهر حواله شدم. شوهرم و فامیلش خیلی تلاش کرده اند که وارثی برایشان بیاورم، اما خوشبختانه آن قدر در این مدت هوشیار و بیدار شده ام که نمی خواهم هیچ انسان دیگری را به این دنیای جنسیت زده ی مردسالار بیاورم، زیرا شاید (از بد روزگار) چنین ام مانند من دختر شود.

نه! من هرگز این جنایت و خیانت را در حق زن دیگری نخواهم کرد؛ نباید اوشبیه من قربانی این بی عدالتی محض شود. من از حساب خودم به این زنجیره ی تولید قربانی برای بدبختی پایان می بخشم.

شاید دیگر هرگز نتوانم به آزادی و استقلال نسبی و نداشته ی قلبی ام برسم اما قطعاً از تلاش دست بر نخواهم داشت. من حداقل در وجود خودم علیه این نظام خواهم جنگید و نخواهم گذاشت که من را شبیه برده ی ایدئولوژیک پدرسالارانه و اسلامی خودشان تربیت کنند.

این نامه و دل نوشته ی من برای زنان هم سرنوشتم است تا بخوانند و آگاه شوند که تنها نیستند. ما در هر گوشه ای این مبارزه را به شکل های متنوع ادامه خواهیم داد، حتی اگر هیچ چیزی برایمان باقی نماند.

آرزوی علمای اسلام در تحقق چگونه ایرانی است؟

مانده از رویه ی نخست

ناچار برخلاف نظر علما و باور دینی خود، به تغییراتی اساسی در امور ایران اقدام کردند. پهلوی دوم بهای گزافی برای تاسیس سپاه دانش و ساختن مدارس در روستاها پرداخت و تلاش آخوندها در مبارزه و مخالفت با این اقدامات و همراهی بسیاری از مردم با آنان نهایتاً سبب سقوط رژیم پهلوی شد.

علمای اسلام در پی چه تغییراتی برای ایران بودند؟

مخالفت با پایان برده فروشی و برده داری، ولی سفیر انگلیس در ایران کلنل جاستین شیل پس از ناکامی در قانع کردن محمد شاه مسلمان در بستن مغازه های برده فروشی، با استفاده از نیروی دریایی انگلیس به صورت یک جانبه کشتی های حمل برده در خلیج فارس و دریای عمان را مجبور به پایان دادن به حمل برده نمود.

مخالفت با تاسیس مدرسه نوین و آموزش اجباری برای پسران و بویژه برای دختران که آخوندها معتقد بودند این آموزش سبب فساد اخلاقی دختران می شود. شیخ فضل اله نوری می گفت، آموزش دختران سبب فساد و فحشای آنان می شود و آن را ترفند با بیان - بهائیان می دانست. مخالفت با آموزش فیزیک و شیمی و درس های جدید دیگر در این مدارس، که علمای دین باور داشتند جوانان را از خواندن قرآن و باورهای اسلامی باز می دارد. مدل مورد پسند آنان، مکتب خانه های قدیم و حوزه های اسلامی بود.

مخالفت با نشستن بر روی صندلی که امروز در بیشتر مجامع اسلامی از آن به جای نشستن بر روی زمین رایج شده است. و دهه ها طول کشید تا جای صندلی در برخی مدارس باز شود.

مخالفت با تاسیس دانشگاه و مدارس عالی آموزش علوم جدید که از زمان ناصرالدین شاه با تاسیس مدرسه دارالفنون آغاز شد. و در اواخر دوران قاجار و سپس در دوران پهلوی ها اوج فراوان گرفت.

دیدیم که رژیم اسلامی پس از ساقط کردن رژیم پهلوی چه تلاشی برای بسته شدن دانشگاه ها و اخراج بسیاری از اساتید کردند.

مخالفت با تاسیس تلگراف برای رابطه مردم در شهرها با یکدیگر و مقامات کشوری.

مخالفت با توسعه قطار و راه آهن سراسری در کشور. تحریم کارخانه قند در کشور که پس از گرفتن رشوه با ترفند فرو بردن قند در استکان چای حرام بودن آن هم فراموش شد.

مخالفت با آوردن برق به ایران و روشن کردن خانه های مردم و خیابان ها و اماکن عمومی، ظاهراً ایراد در خطر افزایش شب زنده داری مردم به جای خواندن نماز بود. مخالفت با تاسیس دادگستری که قضاوت را از

آخوندها می گرفت.

مخالفت با تاسیس وزارت اوقاف که درآمدهای کلان را از دست آن ها می گرفت ولی امروزه دوباره اداره اوقاف اماکن را بدون پرداخت مالیات به دست گرفته اند.

مخالفت با صدور شناسنامه برای یک ایرانیان بویژه بانوان مخالفت علمای مسلمان با تاسیس وزارت فرهنگ، با یادآوری قتل فجیع بانوی فرهیخته دکتر فرخ روپارسا.

کشف حجاب همواره خط قرمز آخوندها بوده و همچنان ادامه دارد و صدها تن از دختران ایرانی را برای بی حجابی یا بدحجابی به زندان ها انداخته و تعدادی را هم کشته و ناقص کرده اند. تغییر تقویم به شمسی و ماه های ایرانی که سبب می شد ماه های عربی و روزهای مهم تاریخ شیعی و عرب را از خاطر هر روزه ایرانیان به دور کند. و پس از پیروزی آن ها در انقلاب ۵۷ دوباره تبلیغ روزهای مورد نظرشان را شدت بخشیدند.

مخالفت با غذا خوردن با قاشق و چنگال که به اتکای روایات فراوان درباره فواید لیسیدن انگشتان بود تا مدت ها مشکلی بود ولی بتدریج پذیرش عمومی پیدا کرد. مخالفت با بلندگو و میکروفون و عکاسی، مخالفت با دوچرخه سواری دختران و بانوان، مخالفت با آب لوله کشی که حالا همه آخوندها در منازل خود آب لوله کشی تصفیه شده دارند. مخالفت مجتهدین با حمام دوش که آن را توطئه بهائیان می دانستند.

مخالفت با ایجاد ایستگاه برای رادیو که با پخش موسیقی که علما عموماً آن را حرام و ناروا می دانستند می توانست ایمان مردم را برباید. سینما و تلویزیون و پخش موسیقی و آواز خواندن زنان در رادیو و رقص زنان در تلویزیون و سینماها همه از محرمات بوده است.

همه می دانیم که در این مورد بهائیان چه تهمت هایی را تجربه کردند مخالفت با خرید و فروش و نواختن آلات موسیقی حتا بازی شطرنج را روا نمی دانستند. مخالفت روحانیون و علما به دادن حق رای به زنان و حق انتخاب شدن زنان در مجالس و محافل دولتی در دوره پهلوی دوم سبب بروز شورش های مذهبی گردید. شاید این شورش ها در براندازی رژیم پهلوی تاثیر زیادی داشتند.

اصلاحات ارضی رهبر انقلاب اسلامی خود مخالف آن بود که اراضی وسیع ملاکین میان کشاورزان تقسیم شود. گرچه در بازگشت به ایران رهبر انقلاب خود را حامی مستضعفان و کشاورزان نامید.

مخالفت مجتهدین با آزادی پوشش برای زنان، کشف حجاب در گذشته به موجب فرمان شاه صورت گرفت. رضا شاه در ۱۷ دی سال ۱۳۱۴ خورشیدی در مراسم اعطای دیپلم دانشجویان دانش سرای تهران همراه با ملکه و شاهدخت ها شمس و اشرف، بدون حجاب سنتی برای نخستین بار در ملاعام ظاهر شدند. گروهی از بانوان متجدد نیز به تاسی از ملکه و شاهدخت ها بدون حجاب سنتی در این مراسم شرکت کردند و این رویداد آغاز رسمی پدیده ای شد که در مانده در رویه ۱۰

فرستنده: سیروس دولتشاهی

خران در پوست شیر

خری پوست شیری پیدا کرد و آن را به تن کرده مردم که او را می دیدند از ترس فرار می کردند و او به راحتی هر جاکه دلش می خواست می چرید و خوش بود.

پس از مدتی زندگی خوش و بی دغدغه، به خود گفت برای این که مردم از من بیشتر حساب ببرند بهتر است عریده ای هم بکشم.

از این روش شروع به عریده کشیدن کرد که بلافاصله مردم فهمیدند او خری است در لباس شیر! او را کتک مفصلی زدند و وی را به کار حمالی که لایقش بود برگرداندند.

آخوندهای ما هم سال ها زندگی آرامی داشتند و مورد احترام و پناه مردم بودند، هیچ کس آن ها را مورد تمسخر و جوک شدن قرار نمی داد و یا قصد جانشان را نمی کرد.

حکام مملکت به دست بوسشان می رفتند، ثروتمندان دو زانو جلوی شان می نشستند و خمس و ذکات و سهم امام تقدیمشان می کردند.

حتی مظفردالدین شاه به دیدار آخوند ممقانی رفت و این آخوند به زحمت جواب سلامش را داد و دعوت شاه را برای تشریف فرمایی به کاخ شاهی نپذیرفت. در عوض شاه از آب حوضی که ممقانی وضو گرفته بود چندین دبه برای تبرک با خود به کاخ برد! در آن زمان اگر از کتابخانه آیت اله نجفی! صحبت می شد آن را با کتاب خانه آبراهام لینکلن مقایسه می کردند و کسی تصور نمی کرد که چندین قفسه از کتب خطی و نفیس این کتابخانه در باره جن است و در باب آداب رفتن به مستراح!

حالا پس از این که پوست شیر از تن خر به درآمده، چه بلایی سرش خواهد آمد. باید نشست و منتظر آینده ای ماند که به نظر چندان دور نمی آید.

طلبکاری جدید آخوندها

سخنان آخوند تازه وارد احمد رهدار از شاگردان مصباح یزدی

احمد رهدار آخوند جوانی از شاگردان مصباح یزدی از آیت اله های دزد جمهوری اسلامی است. رهدار بدون شرم و خجالت جلوی دوربین دولتی نشسته و می گوید: چرا ما آخوندها نباید پولدار باشیم وقتی همه ی امامان شیعه پول دار بوده اند. من می خواهم امام قم باشم، من می خواهم لشکر داشته باشم تا بزنم تو دهن آمریکا! من با این شهریه

که می گیرم آیا می توانم لشکر بسازم؟

چهارده تا امام معصوم داریم یک تن از آن ها فقیر نیست، همه پول دار و میلیارد زمانشان بودند. برادر امام صادق دارد می رود بغداد خیانت کند، امام صادق این را می داند اما کلی پول به عنوان خرج سفر به برادرش می دهد که بر علیه او خیانت خواهد کرد! آخوند احمد رهدار تاکنون آن چه را که آخوندهای قدیمی زیر نقاب ساده زیستی و قناعت و ستایش فقر پنهان کرده بودند برملا می کند. این آخوند امروز همه چیز را متعلق به خود می داند.

احمد رهدار اولین آخوندی است که صادقانه لب به سخن گشوده می گوید همه ی این ها مال ماست، چرا نباید آن ها را تصرف کنیم. چرا ما هم نباید مانند پیامبران و امامانی که خود را جانشین آن ها می دانیم ثروتمند باشیم من قرار است امام قم باشم امام قم باید مثل امام صادق قدرت مالی داشته باشد.

امام می فرماید ولی فقیه مانند پیغمبر است. پیغمبر که گدا نبود ولی فقیه هم باید مانند او باشد. ما نبی گدا که نداشتیم من هم نباید گدا باشم. نبی دستش باز بوده خرج می کرده من چی از پیغمبر ارث بردم، فقط علم؟ (مردک بی سواد خودش را عالم می پندارد) من می خواهم بگویم که این تمکن مالی از طلبه گرفته شده.

مسئله موقوفات، اصلاً اجازه نمی دهند به ما چیزی برسد یک نفر نمی آید به ما بگوید آقای طلبه چرا این جوری زندگی می کنی. یک نفر نمی آید بگوید آقا من می خواهم ایثار کنم از همین موقوفه بزرگ اصفهان حق شما را بدهم. ۱۰ تا پاساژ در تهران وقف حوزه های علمی است. ما را بی مهارت تربیت کردند (یعنی باید دزد تر از این ها باشیم که هستیم!) هتل عباسی وقف حوزه علمیه است. و روزی ۲۰۰ میلیون، نمی دانم روزی چند صد میلیون درآمد دارد اما چیزی بماند نمی دهند.

ملاحظه می شود که شیخ جوان احمد رهدار با صداقتی تلخ اما افشاگر اصل موضوع را به مردم می گوید تا آن ها که زمام امور زندگی خود را به دست آخوندها داده اند دیگر از نحوه هزینه کردن اموال اوقافی، خمس، ذکات، صدقات خود نپرسند، زیرا آخوند سال ها در حوزه های مخصوص دینی می آموزد که چطور برای هر پرسش و هر تردید مردم پاسخی بترشد. همانطور که خود را با ساختن یک تئوری خلق الساعه تبدیل به ولی فقیه کرد و در جایگاه پادشاه و سلطان و خلیفه نشانید.

آنها برای این نفوذ و برای این سواری گرفتن راه های زیادی را آموخته اند و اینکه که سوارکار شده و خاطرشان جمع، بدون شرم و حیا بیشتر می خواهند و خود را طلبکار از دولت و ملت می دانند و آن را در منابر با صدای بلند به زبان می آورند، شارلاتان تر از این قشر طبیعت نیافریده که به جان مردم ایران افتاده اند. کار این زالوها مکیدن خون مردم است.

آیا این مردم روزی بیدار می شوند که خود را نجات دهند؟

کوروش سلیمانی

دنباله دلایل دشمنی و نفرت از یهودی ها در تاریخ

شاید در درازای تاریخ، هیچ قوم و قبیله یا ملتی مانند ما یهودیان موجب نفرت و تبعیض و کشتار قرار نگرفته اند.

در شماره پیش اشاره کردم، شاید دلیل اصلی آن اتهام به صلیب کشیدن عیسا مسیح به دست یهودیان است. گرچه روش های گوناگونی برای کشتن افراد در تورات پیشنهاد شده ولی هرگز به صلیب کشیدن افراد جزو آن روش ها نیست.

حتا پیش از ظهور عیسا رومی ها کشتن از نوع به صلیب کشیدن افراد را داشتند ولی اتهام به صلیب کشیدن عیسا هرگز از گردن یهودی ها برداشته نشد، چون کشیش ها و اسقف های مسیحی در کلیساها مردم را به خونخواهی عیسا مسیح فرا می خواندند. به همین دلیل به دفعات زیاد یهودی ها مورد قتل و غارت ادیان دیگر از جمله مسیحی ها قرار گرفته اند.

موضوع دیگر ظهور اسلام و اختلاف بین یهودیان و مسلمانان در شبه جزیره عربستان بود. لازم به تذکر است آن چه می دانیم بیشتر روایت های مسلمانان است از روابط شان با یهودی ها، زیرا یهودیان آواره، کشته و یا اسیر بودند و سندی از آن ها به جا نمانده است.

در نوشته های مسلمانان هم یک جانبه حق را به محمد می دهند و چهره زشتی از یهودیان به تصویر می کشند.

ضمناً یهود ستیزی از همان آیه های نخست قرآن شروع می شود! باری ریشه های یهود ستیزی در بین مسلمانان نسل به نسل و از خانواده به فرزند ادامه پیدا کرده است و به همین علت یهودیان همواره مورد بی مهری مسلمانان قرار گرفته اند، در نتیجه یهودی ها هم نگاه مثبتی به مسلمان ها نداشته اند و همواره با بدبینی و نگرانی به جوامع اسلامی نگاه می کنند.

مورد دیگر موفقیت های مالی یهودیان است که در طول تاریخ مورد حسادت مسلمان ها و سایر ادیان قرار گرفته اند.

با ظهور اندیشه کمونیسم و طرفداری از قشر فرودست و کارگر، یهودیان در رده سرمایه گذاران به حساب آمدند که خودش موجب نکات منفی در گفتگوها شد.

استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸ کمکی به بهبود اوضاع نکرد، و کشورهای مسلمان تاب و تحمل داشتن یک کشور یهودی را در جوار کشور خود نداشتند و همین موضوع موجب چندین جنگ در خاورمیانه شده است که هر بار میزان یهود ستیزی را در جهان بالا برده است.

مهاجرت مسلمانان خاورمیانه به کشورهای اروپایی و رشد سریع جمعیت آن ها در آنجا اوضاع را به زیان یهودیان بیشتر کرده است. به ویژه حمایت آن ها از حماس و حزب الله یهود ستیزی را شدیدتر کرد. از سویی دیگر راهنمایی های اشتباهی در کتاب های مذهبی به علاوه توصیه های حاخام ها در دین یهود در دشمنی دیگران با یهودی ها بی تاثیر نبوده است. چرا که اینان چاره کار را بدست خدا می سپارند و یک یهودی مومن به جای ایجاد دوستی باعث بیشتر یهود ستیزی می شود. یهودی ها برای رفع اتهامات واهی و دروغی که طی قرن ها به آن ها زده شده روشنگری نکرده و توضیح کافی در رد آن ها نداده اند مانند این که «کشتن بچه های غیر یهودی برای مخلوط کردن آن با فطیر عید پسح است!»

از موارد دیگری که بین خود یهودی ها باعث گرفتاری شده و در یهود ستیزی دیگران موثر بوده دستورهای دینی حاخام ها در مورد خوراک های گوشتی و لبنیاتی است که فروشگاه ها مجبور شده اند این غذاها را به طور چشمگیر جدا از دیگر مواد غذایی بگذارند. این مورد مواد غذایی حتا بین افراد هر خانواده ای هم ایجاد اختلال کرده، رابطه فرزندان را با پدر و مادرشان در اثر تاثیر سخنان حاخام های اولترا ارتدکس بعضاً قطع کرده، زیرا آن ها خوراک پدر مادر خود را نمی خورند و یا به خاطر رعایت روز مقدس شنبه (شبات) از اتومبیل استفاده نمی کنند...

خودداری از خوردن خوراک های دیگران در هر جامعه ای توهین بزرگی به حساب می آید. یهودیان ارتدکس از دست هیچ فرد غیر یهودی هیچ گونه خوردنی را قبول نمی کنند حتا چنین رفتاری را هم با یهودیان دیگر دارند که در کاشر بودن خوراک آن ها شک دارند. موفقیت های چشمگیر یهودی ها در مورد اقتصاد و علم نیز حساسیت هایی را در بین بعضی غیر یهودی های متعصب برانگیخته که در مورد یهود ستیزی بی اثر نیست. خوشبختانه عده دیگری از روشنفکران یهودی در رفع این مشکلات و پیوند زدن روابط یهودی ها با دیگر جوامع در تلاش هستند که امیدواریم موفق شوند.

خرما شد کیلویی

۱۰۰ هزار تومن، دیگه باید

اموات برای ما فاتحه بخوانند.

علی صادقی

دکتر احمد ایرانی

(مانده از شماره پیش)

نقش عمر بن خطاب در حمله به ایران چه بود؟

حقایقی در باره یهودیت، مسیحیت و اسلام

عمر بن خطاب از شخصیت هایی در تاریخ اسلام است که بر سر او بیشترین مناقشه بین شیعیان و اهل سنت دیده می شود. نقش عمر بن خطاب در حمله اعراب به ایران چه بود؟

شیعیان از او به عنوان مهم ترین عامل در محرومیت علی از خلافت بعد از مرگ پیامبر یاد می کنند و او را از عوامل اصلی حمله به منزل فاطمه زهرا دختر پیامبر همسر علی می دانند.

بر اساس روایات شیعی پیش از این که عمر به اسلام روی بیاورد تا مدت ها با محمد و دینش در مخالفت بود.

عمر پس از ابوبکر به خلافت رسید. به روایت اهل سنت علی از مشاوران نزدیک عمر می شود. به باور شیعیان نواندیش امروزی عمر از سنت دیوان سالاری ایرانیان برای فرمان فرمایی خود استفاده کرده و عمده پایه های خلافت خود را تحت تاثیر فرهنگ ایرانی و ساسانی بنا کرد. و در همان حال گسترش بلاد اسلام و حمله به سرزمین ایران در ۱۴۰۰ سال پیش در دوران خلافت عمر اتفاق افتاد.

در مورد حمله اعراب به ایران در زمان عمر روایات متفاوت است. بعضی براین باورند که مسلمانان در دوران صدر اسلام قصد حمله به هیچ کشوری را نداشتند ولی بخشی از اعراب تجزیه طلب ایرانی از این فرصت استفاده کردند و با هدف استقلال طلبی وارد جنگ با سپاهیان عمر شدند.

یعنی آغازگر جنگ ایرانی ها بودند. و این اتفاق زمینه حمله اعراب را به ایران فراهم کرد. (این روایت بسیار ضعیف و بدون سند می باشد) به غیر از فتوحات عمر در آن دوره، رفتار او با زنان نیز بسیار مورد توجه تاریخ دانان است، بسیاری از شیعیان عمر را ضد زن معرفی می کنند. این رویکرد را اهل سنت برگرفته از گفتمان خصمانه شیعی می دانند و قبول ندارند.

ازدواج عمر با ام کلثوم دختر علی هم از موضوعاتی است که سنی ها به این ازدواج باور دارند، این روایت کمتر در میان شیعیان پذیرفته می شود.

این ها بخشی از نظراتی بود که نو اندیشان اسلامی، شیعه و سنی، داریوش محمدپور، مجیب رحمان رحیمی و حسن یوسفی اشکوری در برنامه تلویزیون BBC بیان کردند که نشانگر نظرات متفاوت این دو شاخه اصلی اسلام است.

۱۱- یهودیت تنها نخستین دینی نیست که نوعی «تک خدایی» را بنیادگذاری کرده است. حدود ۱۴ قرن پیش از مسیحیت اعتقاد به تک خدایی در مصر وجود داشته و زرتشت پیام آور ایران باستان نیز به خدای یگانه باور داشته است.

۱۲- دین های یهودیت، مسیحیت و اسلام هر سه با برده داری موافق بوده اند. خود ابراهیم پیام آور افسانه ای یهودیان برده داشته است. پال قدیس و محمد بنیادگذار اسلام به بردگان فراری توصیه می کردند که به نزد اربابشان برگردند.

۱۳- بنابر نوشته های تورات، خدای یهود هواداران خود را به کشتار دیگران و غارت دارایی های آنان تشویق می کند. خدای اسلام نیز از هوادارانش می خواهد که مخالفان شان را بکشند و ثروت شان را غارت کنند.

۱۴- افسانه توفان نوح که در هر سه کتاب مقدس تکرار شده از یکی از افسانه های سومریان باستان تقلید شده است. این داستان برداشت کاملی است از افسانه «گیل گمش» سومری.

۱۵- در یهودیت مقام رهبری روحانی به مقامی موروثی تبدیل می شود. اما زمانی که شاهان اسرائیل به قدرت می رسند رهبران روحانی به دست نشاندگان آنان تبدیل می شوند. در این زمان روحانیان درباری می شوند.

۱۶- در دورانی که «یهوه تراشان» گناه فرد را تا چند نسل از او انتقام می گرفتند هنوز اندیشه بهشت و جهنم تراشی را کشف نکرده بودند.

۱۷- داستان روز رستاخیز، بازگشت روح و پل صراط از آیین زرتشت به درون یهودیت جدید راه یافت و این افسانه ها از راه دین یهود وارد دین اسلام شد.

۱۸- افسانه یا اسطوره پیدا کردن موسی در دوران نوزادی درون سیدی در مصر، از افسانه ای که ۲۵ قرن پیش در هند رایج بوده تقلید شده است.

۱۹- افسانه کنار رفتن دریا برای عبور موسا و همراهان از یکی از اسطوره های بابلیان تقلید شده است.

۲۰- پس از کشف لوحه قوانین حمورابی در ۱۹۰۲ روشن شد که ۱۰ فرمان موسا تقلیدی از آن ها است.

به جای دین های مقدس قوانین را مقدس کنید

کمال متانت به حجاب اجباری اعتراض نمود، با داغ و درفش به سراغش رفتید. او را به یک سال زندان محکوم کردید تا از زنان کشورمان زهره چشم بگیرید و به خیال خود این حرکت به زعم شما ناهنجار را به شدت سرکوب نموده تا شکل‌گیری خیزش مدنی بانوان علیه ظلم را در نطفه خفه سازید.

دیدید که نشد، با ندانم‌کاری‌های پیاپی شرایط یک جنبش عظیم را رقم زدید، اما با مرگ مهسا و خیزش بزرگ یک خلق به جان آمده تنها به خیال خود دست به یک عقب‌نشینی تاکتیکی زدید و به محض اینکه گمان کردید اوضاع کمی عادی شده است، دوباره به سرکوب دختران بازگشتید.

با چشمان سر می‌دیدید که پس از خیزش عظیم زن، زندگی، آزادی، دختران این سرزمین چون شیر می‌غرند و بنای پا پس کشیدن ندارند، کشته شدن «آرمیتاگراوند» هم از خواب بیدارتان نکرد.

ایستادگی زنان در گوشه گوشه این دیار نه فقط ذره‌ای تلنگر به اردوگاه مدهوش خود حق‌پندارتان نزد که با یکدندگی غیرقابل فهم دست به کار نگارش قانون حجاب و عفاف زدید.

این قانون از جمیع جهات مشکلات ساختاری داشت، چنان نگارش شده بود که شورای نگهبان نیز به دفعات آن را برای اصلاح به مجلس پس فرستاد که اصلاح شود. اگر عده‌ای متوهم گمان داشتند که این قانون شق القمر خواهد کرد، اما قریب به اتفاق اهل خرد آن را مایه ننگ می‌پنداشتند و به شکست قریب الوقوع آن باور داشتند.

هرآنکه شب هنگام گذری در کوی برزن شهر داشته باشد، از این همه نترسی و شجاعت زنان بدون حجاب ایران در شگفت می‌گردد ولی، این همه آیت و نشانه باز هم شما را از این رؤیای شیرین، اما خالی از واقعیت بیدار نکرد. حالا پس از دختران مترو، اتوبوس، رستوران، استادیوم‌ها و برنگشتن ورزشکاران دختر از مسابقات خارجی به کشور نوبت به دختر «دانشگاه علوم تحقیقات» رسید، دختری که در صحن دانشگاه لخت و عور شد. یعنی او دیگر نه فقط به روسری، که حتا به لباس زیر نیز بسنده نکرد. بدون لباس در میان دانشجویان پسر و دختر گام می‌زد و به ریش شمایان می‌خندید.

باز هم کتاب توجیه‌المسائل تان را بردارید و هزار دلیل بترانید که این دختر به هزار جور مرض روانی و جسمانی مبتلا می‌باشد. خیال می‌کنید که این مردم به سخنان شما باور و اعتنا خواهند کرد؟

یادتان هست در آغازین روزهای پس از پیروزی انقلاب ۵۷ در یکی از مدارس تهران، فرمان به نیوشیدن لباس جین دادید، تا آن روز اگر ۱۰ درصد بچه‌ها از چنین لباسی استفاده می‌کردند، از همان لحظه به بعد ۹۰ درصد آنان جین پوش شدند.

آهای روحانیت نا معظم، مگر شما از قول پیامبر گرامی تان بر سر منابر

سنگ فروشی پر درآمد

نتیجه هزار و چهارصد سال سنگ زدن به شیطان

آیا ۱۴۰۰ سال سنگ زدن به شیطان در مراسم ارتجاعی حج، تاثیری بر کاهش عملیات شیطان داشت؟!

دولت زرنگ و با هوش عربستان سالی ۱۳۵ میلیون دلار معادل ۷ هزار میلیارد تومان، سنگ بیابان را که گاهی مسلمان ها ته خود را هم با آن سنگ ها پاک می‌کنند، جهت پرتاب به شیطان غیر واقعی و فرضی (مانند خدای غیر واقعی و فرضی شان) به حجاج کم عقل می‌فروشند تا آن ها مانند دیوانه ها سنگ ها را به دیوار منسوب به دیوار شیطان بکوبند و عربده بکشند و فکر کنند که ثواب می‌برند. سنگی که مسلمانان به شیطان می‌زنند گوشه ای از تجارت هوشمندانه دینی عربستان است. عربستانی ها آن سنگهای پرتاب شده که قبلا به مسلمانان عقب مانده فروخته شده را از زیر همان دیوار جمع آوری کرده دوباره به طور منظم به بسته های ۷ تایی بسته بندی می‌کنند و بار دیگر هر بسته را به قیمت ۳ دلار به دسته بعدی مسلمانان می‌فروشند، تجارت از این بهتر و سود آورتر سراغ دارید؟ به آمار خود عرب ها سالانه ۴۵ میلیون بسته سنگ به حاج آقا ها و حاجیه خانم های شیرین عقل فروخته میشود. از این همه مسلمان حاجی شده می‌پرسیم شما در این ۱۴۰۰ سال این قدر به شیطان سنگ زدید نتیجه آن چه شد؟ ظلم که سر جایش هست، ظالمان که گردن کلفت تر شده اند، کشورهای مسلمان که بدبخت ترین هستند، مسلمان ها هم که همه از کشورهای اسلامی خود در حال فرار می‌باشند. و جیب شما ها را هم که عرب ها خالی کرده اند تا یک شیطان خیالی را با سنگ بزیند، عقلتان کجا رفته است که یک تن از میلیون ها تن شما به خود نمی‌گویید این عمل وحشیانه و مضحک چه معنا دارد جز حماقت و سوء استفاده ی عربستانی ها؟! عزیز نسین، روشنفکر و نویسنده بزرگ ترکیه میگفت عربها تاکنون چیزی تولید نکرده و دانشمند بزرگی هم نداشته اند اما بهترین زندگی را دارند می‌دانید چرا؟ چون آن ها نفت شان را به ثروتمندان و دین شان را به احمق ها می‌فروشند.

سیا - لام

ناصر دانشفر

چه خاکی به سرتان خواهید کرد

روزی که ویدا موحد روسری بر چوب کرد و به شکلی کاملاً مدنی و در



← فریاد نمی‌کردید که «الانسان حریص علی ما منع» انسان به چیزی که از آن منع شود حرص می‌ورزد، حال چه اتفاقی افتاده که برسر لج افتاده‌اید و ابلهانه برسر شاخ نشسته بُن می‌برید.

آقای خامنه‌ای، اگر فردا نه یک تن بلکه صد تن از دختران کشورمان بطور هماهنگ، برای اعلام انزجار از پوشش اجباری به مانند این دختر دلیر لخت شوند، چه خاکی برسر تان خواهید کرد؟ آیا باز هم به روی مبارک نخواهید آورد و واقعیت‌های جامعه را انکار می‌کنید؟

حضرت آقا به خدا تشت رسوایی تان بر زمین افتاده و صدایش را همه عالم شنیده‌اند، انگشت‌های تان را از گوش‌های کر شده خود بیرون آورید و به این کار عبث و بی‌منطق پایان دهید.

اوضاع ترحم انگیز حکومت اسلامی در ایران

■ رهبر فلسطین (محمود عباس) خطاب به حکومت جمهوری اسلامی می‌گوید: چه می‌خواهید از جان ما؟ و فردایش هم تیم فوتبال فلسطین به لج حکومت‌آخوندها با تیم فوتبال اسرائیل مسابقه می‌دهد.

■ پاکستان و ترکیه و آذربایجان و گرجستان هم علیه حکومت زورگوی ما مانور برگزار می‌کنند و یا مانند ترکیه بین ایران و ترکیه دیوار مرزی می‌کشد، به کوری چشم‌آخوندها، قطر و امارات و بحرین واردن و مراکش با اسرائیل روابط برقرار میکنند، عمان و عربستان هم اگر هنوز رسماً رابطه برقرار نکرده‌اند ولی مخفیانه دوست هستند.

■ برعکس‌آخوندها روابط همه کشورهای منطقه با آمریکا هم عالیست، ما نه مرز مشترک با آمریکا یا اسرائیل داریم، نه یک قدرت اقتصادی هستیم مثل چین که با آنها رقابت داشته باشیم، نه رقابت مذهبی با آمریکا و اسرائیل داریم که برسر رهبری جهان اسلام با آنها دعوا کنیم یکی مسیحی و دیگری یهودیست، نه یک قدرت بزرگ نظامی، اتمی، مثل چین و روسیه و اروپا و پاکستان و هند و اسرائیل هستیم که رقابت تسلیحاتی با آن‌ها داشته باشیم، در تولید نفت هم که اول آمریکا دوم روسیه سوم عربستان چهارم ونزوئلا پنجم عراق و ما ششم هستیم پس ادعای رقابتی هم نداریم.

■ در زمینه صدور گاز هم روسیه و قطر حرف اول و دوم را در جهان می‌زنند، پول قوی هم مثل دلار و یورو و یوان نداریم و در رتبه آخر دنیا هستیم، سهمی هم در اقتصاد جهانی نداریم که با آن بتوانیم دنیا را تحت فشار قرار دهیم، در زمینه تکنولوژی هم آنقدر عقب هستیم که دهه‌ها باید بدویم!

■ صادرکننده بزرگ تسلیحات مدرن نظامی هم نیستیم، در زمینه تولید پهباد های پیشرفته حتا از ترکیه هم عقب تر هستیم.

■ جزو بزرگترین کشورهایی هستیم که فرار مغز داریم، بیشترین پناهنده را در خارج داریم با حدود ۷ میلیون نفر، بالاترین رقم اختلاس جهانی را داریم.

■ آزادی بیان نداریم، مطبوعات آزاد نداریم، پوشیدن لباس ورزش دلخواه آزاد نیست، برای قهرمان ما تعیین میشود باکی مسابقه بدهد با کی ندهد، مذهب هم که انتخابی نیست.

■ حالا پرسش: ما در قضیه فلسطین، لبنان، یمن و عراق چکاره هستیم؟ چرا سالانه میلیاردها دلار خرج اینجاها میکنیم در حالیکه این پول شدیداً مورد نیاز مردم مستضعف ایران است. چرا با آمریکا ۴۵ سال است سر جنگ داریم؟ چرا و برسر چه چیزی ۴۵ سال است با اسرائیل در جنگ سیاسی و نظامی هستیم؟

■ در تمام مسائلی که مطرح شد بقول معروف نه سر پیازیم نه ته پیاز! پس ما ادعای چه چیزی را داریم؟

■ آیا کشور نمونه‌ای در اجرای احکام اسلام هستیم؟ آیا در اجرای عدالت در جهان نمونه هستیم؟

■ آیا توری در حد صفر مثل امارات متحده داریم؟ آیا اختلاس در حد صفر مثل سوئد و دانمارک داریم؟

■ آیا مانند فنلاند هستیم زندانی نداریم؟ آیا به تاریخ باستانی خود مثل همه دنیا در کتابهای درسی خود اهمیت میدهیم؟ جشنواره مولوی و فردوسی و سعدی و حافظ و کوروش داریم؟

■ تقویم ما چرا بجز نوروز و سیزده بدر از آنهمه جشن و سرور ایرانی خالیست؟

■ چرا اینقدر در میهن ما عزا و ماتم و گریه و سینه زنی ونوحه رواج دارد ولی نشاط و شادی در کشور ما مذموم است؟

■ چرا تملق و ریاکاری و دروغ در جامعه اینقدر زیاد شده است؟ و چرا دوستانمان بیشتر کشورهای کمونیستی کوبا کره شمالی و روسیه و چین هستند؟

■ آیا می‌دانید ظرف چهل و پنج سال گذشته چقدر زیان از درگیری با آمریکا و اسرائیل کرده ایم. و از حماقت شما حاکمان چقدر ترکیه، پاکستان، عربستان، امارات، هند، روسیه، چین، حتا افغانستان سودهای کلان برده‌اند و ملت ما زیان کرده است.

اگر اسلام دین صلح و عدالت بود، هیچ مسلمانانی زادگاهش را ترک نمی‌کرد برود آلمان، انگلستان، فرانسه، یا آمریکا و کشورهای غیر مسلمان کافر...

پرویز سهند

طارق رمضان، اسلام‌شناس سرشناس به جرم تجاوز به سه سال زندان در سوئیس محکوم شد

این هم یک مسلمان تحصیل کرده که خوی مسلمانی اش بر خرد دانشگاهی او چربید.

دادگاهی در سوئیس طارق رمضان، اسلام‌شناس سرشناس مصری-سوئسی، را به جرم تجاوز به یک زن به سه سال زندان محکوم کرد. دو سال از این حبس تعلیقی است. این دادگاه در پایان ماه گذشته حکم تبرئه او در دادگاه بدوی را لغو کرده بود. او متهم بود که نزدیک به ۱۶ سال پیش به یک زن در هتلی در ژنو تجاوز کرده بود. او می‌تواند درخواست تجدیدنظر بدهد. آقای رمضان که ۶۱ سال دارد نوه حسن البنا، بینانگذار اخوان المسلمین مصر، است.

او اسلام شناسی سرشناس است و پیشینه استادی در دانشگاه آکسفورد بریتانیا و چند دانشگاه معتبر دیگر را دارد. چند زن آقای رمضان را در سال‌های گذشته به تجاوز متهم کرده بودند اما در سال ۲۰۲۳ دادگاهی در سوئیس او را تبرئه کرد. آقای رمضان می‌گوید قربانی «یک دام» شده است که برای «بدنام کردن» او پهن کرده بودند.

این پرونده با شکایت یک زن سوئسی به جریان افتاد که گفت آقای رمضان در سال ۲۰۰۸ در هتلی در ژنو به او تجاوز کرده است. این زن که گفته می‌شود به اسلام گرویده بود و هوادار آقای رمضان بود، به قاضی دادگاه گفته بود که قربانی یک حمله جنسی وحشیانه، ضرب و شتم و توهین شده است. آقای رمضان همه اتهامات را رد کرده ولی تایید کرده بود که با این زن ملاقات داشت.

طارق رمضان کیست و اتهامات قبلی او چه بوده است
روزی که پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ احساسات ضد مسلمانان در اروپا افزایش یافت، آقای رمضان به عنوان صدای «عقلانیت» ظاهر شد، تروریسم را محکوم کرد، علیه اعدام سخن گفت و به خاطر انتقاد از نبود آزادی و دموکراسی در تونس، مصر، عربستان، لیبی و سوریه نتوانست اجازه ورود به آن کشورها را بگیرد.

او در سال ۲۰۰۴ یکی از ۱۰۰ چهره تاثیرگذار مجله تایم بود و در سال ۲۰۰۷ استاد مطالعات اسلامی در کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد شد و اتهامات تجاوز جنسی در سال ۲۰۱۷ علیه او مطرح شد و با علنی شدن آن، زنان بیشتری حرف زدند. تا سال ۲۰۲۰ میلادی آقای رمضان با پنج اتهام تجاوز، چهار مورد در فرانسه و یکی در سوئیس روبرو شده بود. یکی از اتهامات مربوط به زنی فرانسوی بود که گفته بود آقای

رمضان در سال ۲۰۱۴ در هتلی در لیون به او تجاوز کرده است. هندای عیاری، یکی از زنان فعال در فرانسه، نیز شکایت کرد که آقای رمضان در سال ۲۰۱۲ در هتلی در پاریس به او تجاوز کرده است. آقای رمضان تمام این اتهامات را رد کرده بود اما ۹ ماه در فرانسه بازداشت و به طور مشروط آزاد شد. پرونده سوئیس اولین پرونده‌ای بود که به محاکمه رسید. طارق رمضان به عنوان یک چهره جنجالی مطرح بوده است. در سال ۲۰۰۹ به دلیل حضور و میزبانی یک برنامه در شبکه «پرس تی‌وی» متعلق به دولت ایران از مشاغل خود اخراج شد. شورای شهر روتردام و دانشگاه اراسموس در هلند، هر دو به این دلیل او را از سمت مشاور و استاد دانشگاه اخراج کردند.

نادره افشاری بانوی مبارز

نهم نوامبر سالروز خاموشی زنده یاد بانو نادره افشاری یکی از نویسندگان روشنفکر، شجاع و بی‌پروایی است که نقش بزرگی در حرکت روشنگری عصر جدید ایران داشت.

آثار بسیار ارزنده ای از زنده یاد به جا مانده که نشان دهنده ارزش والای این بانوی مبارز است، یکی از آثار درخشان او کتاب «حجاب پرچم اسلامیت، فاشیست قرن ۱» است که درجایی می‌نگارد: اسلام دین عشق ستیزی و انسان ستیزی است، دین کشورهای بدبختی است که در هیچ کدامشان تمدن و تجدد و حقوق برابر انسان‌ها پای نگرفته و نخواهد گرفت. هزار و چهارصد سال است که ما گرفتار این عقب ماندگی، واپس گرایی و واپس نگری هستیم. یاد و نام نادره افشاری در تاریخ روشنگری عصر جدید ایران ماندگار خواهد ماند و از او به بزرگی یاد خواهد شد.

تا چه اندازه زنان ما در ایران تحت قوانین غیر انسانی و ظالمانه زندگی می کنند.

آرزوی علمای اسلام در تحقق چگونه ایرانی است؟

مانده از رویه ۳

تاریخ مدرن ایران «کشف حجاب» خوانده می شود. شاه در یک سخنرانی کوتاه پس از خانم هاجر تربیت رئیس دانش سرای دختران در این مراسم چنین گفت: ما نباید فراموش کنیم که نیمی از جمعیت کشور ما به حساب نمی آمد. یعنی نصف نیروی عامله کشور بیکار بود، و هیچ وقت احصائی (آمار سرشماری) زن ها برداشته نمی شد. مثل این که زن ها افراد دیگری بودند و جزء جمعیت ایران به شمار نمی آمدند. شما خانم ها باید امروز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصتی که یافته اید برای ترقی کشور استفاده کنید. انتظار من از شما خانم های تحصیل کرده، در این موقع که می روید به حقوق و مزایای انسانی آگاه شوید این است که در زندگی قانع باشید، و کار نمایید و به اقتصاد و صرفه جویی در زندگی عادت کنید و از تجمل و اسراف بپرهیزید. شما خواهران و دختران من، حالا که وارد اجتماع شده اید و برای سعادت خود و میهن تان گام به پیش نهاده اید، باید پیوسته در راه پیشرفت میهن تلاش کنید، چون سعادت کشور و آینده در دست شماست، زیرا که تربیت کننده نسل آینده این آب و خاک هستید.

رضاشاه مانند همه مردان ایرانی مردی سنتی بود و شخصاً نمی توانسته با کشف حجاب موافق باشد ولی برای پیشرفت ایران این کار را لازم می دانست...

مخالفت با پایان دادن چند همسری و صیغه در دوره پهلوی دوم صورت گرفت ولی به تلاش رژیم ملایان دوباره چند همسری و صیغه به ایران برگشت. مخالفت با پایان دادن ازدواج دختران کم سن (کودک همسری) و تصویب قوانین حقوق خانواده نیز در دوران پهلوی دوم صورت گرفت که با تاسف رژیم اسلامی بسیاری از مصوبات قبلی را تغییر داد.

در این رژیم اسلامی:

یک زن بدون اجازه شوهرش نمی تواند به اتاق زایمان برود. برای فرزندش نمی تواند شناسنامه بگیرد، نمی تواند اجازه جراحی برای فرزندش را بدهد، نمی تواند فرزندش را در مدرسه ثبت نام کند، حتا نمی تواند مدارک و کارنامه فرزندش را از مدرسه بگیرد! نمی تواند برای فرزندش حساب بانکی باز کند، گذرنامه بگیرد، بدون اجازه شوهر به سفر خارج برود. اگر فرزند دخترش بخواهد ازدواج کند نیاز به اجازه پدر دارد، مادر هیچکاه است، در صورت غیاب پدر، پدر بزرگ باید اجازه بدهد. زنی اگر بخواهد از شوهرش جدا شود حق حضانت (سرپرستی و ولایت) فرزندش را ندارد.

در محیط های عمومی باید جدا از مردان بنشیند! شما خود داوری کنید که

تحریم و افشای دین از اوجب واجبات است!

**در دنیا تقریباً ۴۲۰۰ دین
وجود دارد، و جالب است هر
کدام از این دین ها باور
دارند فقط دین خودشان
واقعی و آن ۴۱۹۹ دین دیگر
منحرف و در اشتباه هستند!**

**پاسپورت فلسطین چند پله
بالا تر از ارزش پاسپورت ما قرار
گرفته و ارزش پول فلسطین
۴۸۰ برابر ارزش تومان ماست.
نرخ تورم در فلسطین یک
پنجاهم ایران شده. وجدانا
اکنون باید فلسطینی ها از ما
حمایت کنند و به داد ما برسند.**

به بهای دلخواه

مانده از رویه ۱۲

روز اول قبر از صادق چوبک - از دکتر شجاع الدین شفا، حقوق بشر، قانون بیضه و بمب اتمی، معمای ادیان، توضیح المسائل ۹۵۰ صفحه در پیکار اهریمن ۷۸۰ صفحه، ایران و اسپانیا و یادنامه زندگی خود استاد شفا از نویسندگان گوناگون .

جنبش های دینی در قرن های دوم و سوم هجری از دکتر غلامحسین صدیقی .

خاطرات دکتر قاسم غنی (طلاق فوزیه) مقدمه باستانی پاریزی ۲۵۰ صفحه .

شعبان جعفری هماسرشار .

نسیمی شاعری متفاوت، و اسلام شناسی از دکتر علی میرفطروس . کتاب های دکتر انصاری، دین سازان بی خدا، نگاهی نوبه اسلام، الله واکبر، بازشناسی قرآن و کشتار ۶۷ .

آخوندشناسی از زمان حمله تازیان تا بهمن ۵۷ از سید مهدی پیراسته . منطق الطیر عطار . درد اهل ذمه از زندگی اجتماعی اقلیت های مذهبی در اواخر صفویه، ده فرمان موسی و دانش توراه دکتر همایون آرام .

تیمسار شما چرا؟ سیاوش لشگری .

تاریخ ایران جلد دوم نوشته ژنرال سرپرسی سایکس ترجمه گیلانی - تاریخ مشروطه ۶۰۰ صفحه - کلیات مصور عشقی - از این اوستا و آخر شاهنامه، مهدی اخوان ثالث .

درباره جلال آل احمد - گزیده غزلیات مولوی دکتر شمیسا .

شهر شعر بهار محمدعلی سپانلو - آذر آذربایگان سیاوش بشیری - تیمور لنگ چهره هراس انگیز .

تاریخ - گفته نشده ها درباره روح الله خمینی و خاندان خمینی از مهدی شمشیری - اشعار مریم حیدرزاده .

تاریخ ده هزار ساله ایران از استاد عبدالعظیم رضایی .

شکست شاهانه ماروین زونیس ترجمه عباس مخبر .

دیوان فرخی یزدی تألیف علی اکبر مشیرسلیمی - دیوان فرخی یزدی تألیف حسین مکی - جهان اسلام (اردن - الجزایر - امارات متحده عربی - اندونزی - افغانستان - بحرین - برونی) .

کتاب ۲۳ سال علینقی منزوی .

دلایل النبوه احمد بن حسین بیهقی ترجمه دکتر مهدی دامغانی .

تاریخ مشروطه ایران کسروی ۶۰۰ صفحه .

پشت پرده های حرمسرا گوشه هایی از تاریخ اجتماعی ایران ۴۵۰ صفحه حسن آزاد . دیوان کامل ایرج میرزا .

باورهای سرنوشت ساز دوجلد ۶۰۰ صفحه ای . نحوه تصمیم گیری و عوامل موثر آن دو جلد ۵۰۰/ صفحه ای و تمدن و فرهنگ ایران ۶۵۰ صفحه از نوشته های ارزشمند و خواندنی هدیه از یکی از اساتید دانشگاه های آمریکا دکتر فرهنگ مصور رحمانی .

ژنرال بی طرف ارتشبد عباس قره باغی انتشارات سپهند .

دیوان فروغ .

پاسخ به تاریخ محمد رضا شاه پهلوی .

معمای هویدا دکتر عباس میلانی .

فرهنگ عربی به فارسی ۸۰۰ صفحه . مجموعه آثار یغما جندقی جلد ۱ و ۲

- دیوان عماد خراسانی - گنجینه نام های ایرانی - ایران خانم در محکمه

عدل الهی بدون نام نویسنده - کارنامه کورش آریا منش جلد ۱ و ۲ -

پژوهشی در زندگی علی، آله دالفنگ - فانی و وودی ف- تنکابنی -

افسانه سازی های الله در باره روح، اصحاب کهف و ذوالقرنین - هذیان

های مقدس دکتر مسعود نقره کار - راهنمای نویسنده (نگارش و

ویرایش) دکتر جعفر یاحقی - دکتر مهدی ناصح - غلط نویسیم

ابوالحسن نخعی .

افشاگری و تاریخ - از ۱۲ امام

شیعه ۱۱ نفرشان به طرز فجیعی با

زجر بسیار کشته شدند. و آخری

هم هنگام فرار افتاد در یک چاه

عمیق بعد می گویند با آل علی هر

که در افتاد ورافتاد. خود آل علی

که همه ورافتادند و کسی به

دادشان نرسید.

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

به بهای دلخواه

آیا کتابی از این لیست را به بهای دلخواه خواهید؟

بیشتر کتابها فقط یک نسخه است که طی سال ها خریداری شده و بعضی هم هدیه بوده است. کتاب مورد علاقه خود را با شماره تلفن ۰۰۱۳-۳۲۰-۸۵۸ سفارش دهید تا فرستاده شود تلفن خود را حتما بگذارید که اطلاع دهیم. کتاب هنوز موجود است یا نه.

حیات یحیی جلد ۱-۲ و ۳-۴ - از صبا تا نیما جلد ۱ و ۲ - پنج مقاله احمد کسروی ۳۰۰ صفحه - امتناع تفکر از آرامش دوستدار - تاریخ مشروطه ایران احمد کسروی ۸۵۰ صفحه مجموعه نوشته های صادق هدایت ۶۰۰ صفحه - تاریخ مردم ایران پیش از اسلام - زوال جهان اسلام از عبدالصمد نویسنده مصری - گوشه هایی از زندگی دکتر مصدق (انتقادی) از محمد مجزا - اسناد جاسوسی سفارت آمریکا وسیله گروگان گیرهای خط امام - معمای هویدا دکتر عباس میلانی.

خاطرات و تالمات دکتر مصدق نوشته دکتر مصدق -

مانده در رویه ۱۱

در تاریخ بنویسید

یک نفر از فلسطین (هنیه) در ایران کشته شد برایش سه روز عزای عمومی گرفتیم. همان روزها ۶۰ نفر از هم میهنان ایرانی ما در زیر خروارها سنگ و خاک معدن له شدند و از بین رفتند، آخوندهای ضد ایرانی یک روز هم برایشان عزای عمومی نگرفتند.

عاشقان فلسطینی!

آیا بیاد دارید سربازهای فلسطینی در جنگ ایران و عراق در کنار صدام با ایران جنگیدند؟

لطفا برای سفارش دادن بیداری و داشتن ارتباط فقط با ایمیل bidari2@hotmail.com تماس بگیرید.

Prst Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
P.O. Box 22777
San Diego CA 92192
U.S.A.